



میر عبدالواحد سادات

## جنگ بدون قانون گذار قهقرایی از قانون جنگل به جنگ بدون قانون :

در " ختم جنگ سرد " و سقوط اتحادشوروی ، فیلسوف ، مورخ و استاد علوم سیاسی پروفیسر فوکویاما ، " با طرح تیوری " ختم تاریخ " ، پیروزی قطعی لیبرال دیموکراسی و یا همان نیو لیبرالیسم را که امریکا دعوی علمبرداری انرا مینماید ، اعلام نمود .

اما درین ( ۲۸ ) سال خود سکانداران امریکا ، چنان احوالی را در جهان مستولی ساخته اند ، که اکنون باید از شکست امریکا صحبت کرد که بویژه در بعد اخلاقی متبلور میباشد .

زیان زور ، زورگویی ، قلدرمنشی ، اغواگری ، بوپولیسم و پشت پا کردن به مسوولیت اخلاقی ( moral obligation ) ( معرف این شکست اخلاقی است که اطوار و کردار " زنگی مست " ( آقای ترامپ ) مصداق ان پنداشته میشود .

از انجاییکه ایالات متحده امریکا بمتابۀ بزرگترین امپراطوری تاریخ و با قدرت بزرگ اقتصادی و نظامی ادامه دهنده تمدن غرب میباشد ، شکست اخلاقی او ، سوال " افول تمدن غرب " را مطرح مینماید .

تمدن معاصر غرب که اروپا مهد واقعی ان و محصول غولهای فکر و اندیشه این قاره میباشد ، طی حدود پنج قرن اخیر و بعد از رنسانس و ... و عبور از انقلابات بزرگ اجتماعی ، سرانجام در ورای تسلط سیستم سرماییداری ، رهگشای دولت های ملی ( ملت - دولت ) میگردد که در قرارداد صلح ویست فالیا ( ۳۷۲ ) سال قبل ، ( state system ) اساسات حقوقی تنظیم مناسبات ملی و خارجی را پیریزی مینماید که بعد از جنگ های خانمانسوز جهانی " درون تمدنی ) در وجود جامعه ملل و سازمان ملل متحد و با انفاذ منشور ان سازمان و اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای ناشی از ان ، معیارها و موازین حقوق معاصر بین المللی تدوین گردید که بمتابۀ بزرگترین دستاورد تاریخ بشر در راستای گذار از " جهان هاپسی " و " وضعیت طبیعی " به " قانونی مدنی " قلمداد میگردد .

توماس هاپس از نخستین غول های اندیشه سیاسی است که با پیریزی اندیشه جدید علم سیاست ، بر " ضرورت تدوین قرارداد اجتماعی " تاکید میورزد و در کتاب معروف خود " لویاتان " ( یا اژدهای شرور که ذکر ان در تورات رفته و مؤلف انرا بحیث نام کتابش بر میگزیند ) توضیح میدارد :

" زیاد خواهی و خود خواهی ، ادمیان را به جنگ همه ، علیه همه خواهد کشانید و برای جلوگیری از ان ، چاره جز قرارداد اجتماعی و دولت مقتدر نمیباشد " ، تا به " وضعیت طبیعی " که با خشونت همراه است ، وداع گردد .

در " وضعیت طبیعی " هاپس ، " انسان گرگ انسان " است و قویتر " حق " :  
- داشتن به همه چیز را دارد

- هیچ چیز برایش غیر عادلانه و غیر اخلاقی نیست

- فقدان مفاهیم : خطا ، انصاف و عدالت است

- قانون در بی قانونی و قانون برتر از قانون برایش وجود دارد

پس :

ماهی های کلان ، ماهی های خورد را بخورید !

بدینترتیب ، بشریت در پرتو " قرارداد اجتماعی " و موازین و معیار های معاصر حقوقی از ، " بدویت " وارد " مدنیت " گردیده است که باید در عرصه بین المللی و داخلی " حاکمیت قانون " ناظم و ناظر حیات ملی و بین المللی باشد .

اما در احوال کنونی " اژدهای شرور " که سالهاست به مجسمه آزادی پشت نموده است با سیطره جویی و زور گوئی و موجودیت سکنداران عجول و پوپولیست همانند " بوش کوچک " و " زنگی مست " ، با تبختر انگلوساکسونی و زیر پا نمودن خشن مناشیر و موازین قبول شده پی حقوقی و اخلاقی ، " قانون جنگل " را تطبیق کرده اند و از بخت بد ، شاهد گذار قهقراپی به " جنگل بدون قانون " میباشیم ، که همانا بازگشت به " وضعیت طبیعی " توماس هاپس میباشد .

این احوال رقتبار و اسفناک طرح سوال ، " افول تمدن غرب " را توجیه مینماید و نمایانگر این واقعیت تلخ است که ما در عصر ، " زوال اندیشه ها ، مرگ ارمانگرایی ، نورمها ، معیار ها و موازین " زندگی مینماییم و از همه دردناکتر اینکه سوال و اعتراض نیز نداریم .

هرگاه سیاسیون و دولتمردان منفعل و معذور اند ، جامعه مدنی و ارباب فکر و اندیشه کجا خوابیده اند ؟  
قانون جنگل ( The law of the jungle ) درساده ترین معنی ، " بخور تا خورده نشوی " و " کسی باقی مینماند که ، قوی و غالب است " را افاده مینماید که در کتابهای " رودیاری کپلنگ بنام جنگل معاشرت حیوانات جنگل را بیان میدارد .

و اما :

جنگل بدون قانون ، بدترین حالت است که ، شیر ، روباه و گرگ و ... بدون جایگاه تعریف شده بجان هم اند و :  
گوسپندان بی خبر و ... انانرا همراپی و همچون سیاسیون ما ، " اعلامیه صادر " مینمایند .

کافی است تا به " ارشادات " ، تویت ها و عملکرد " زنگی مست " ( آقای ترامپ ) اندکی مکث نماییم و متیقن گردیم که ، در جنگل بدون قانون ، چه سونامی هولناک بشریت را تهدید مینماید .

بعد از سلاخی آقای سلیمانی به امر رئیس جمهور امریکا ، که پارلمان عراق خروج عساکر امریکایی را از انکشور تصویب کرد ، جواب شاخدار " زنگی مست " ، بسیار رک و روشن ، این بود که :

پول های اعمار پایگاه را بدهید !!!

این پاسخ بقول جناب عنایت " شریف " ژورنالیست و تحلیل گر سابقه دار افغان ، همان برخورد منسوبان تنظیمی در جنگهای دهه هفتاد را به اذهان متداعی میسازد که :

موترو و بایسکل مردم را بالای خودشان قیمت میگذاشتند و بفروش میرساندند .

اهسته ، اهسته روش و عملکرد به " فرهنگ مسلط " در قصر سپید مبدل میگردد که ، جنگها ، کشتار و قتل چهره های معروف تروریستی را ، منحیث کمپاین انتخاباتی انجام میدهند . آقای اوباما پلان کشتن اوسامه بن لادن را با شروع کمپاین های انتخاباتی مصادف ساخت و ... اکنون " زنگی مست " به تعقیب نابودی ابوبکر بغدادی ، امرکشتار آقای سلیمانی و همراهان را صادر نمود ، تا هم در کمپاین دستش پر باشد و هم با پروسه " استیضاح " دفع الوقت نماید .

همین قانون جنگل و جنگ بدون قانون باعث گردیده تا دولتها با زیرپا نمودن منشور ملل متحد و موازین قبول شده حقوقی از ترور و تروریسم بحیث ابزار تحقق اهداف سیاست درعرصه داخلی و خارجی استفاده ، جنگهای نیابتی و اعلام نشده را راه اندازی و به تروریسم دولتی متوسل گردند. ایجاد گروه های تروریستی در نیم قرن اخیر که اکنون ما با " نسل چهارم " ان ( داعش ) مواجه میباشیم ، نیر معلول همین نقض خشن اصول قبول شده بی حقوقی در مناسبات بین المللی میباشد .

در احوالیکه مقدرات تاریخی جهان ما و بویژه منطقه که سرنوشت ان با افغانستان مشابه و پیوند دارد ( از بیروت و تا کابل و آسیای میانه و قفقاز ) ، در کشمکش کلان جیوپولوتیک رقبای جهانی و منطقوی رقم میخورد ، این محور های شرارت اند که بحیث لازم و ملزوم همدیگر نقش افرینی مینمایند :

اسرائیل

سعودی

ایران

پاکستان

اجزای اهداف کلان در راستای پلانهای قرن مورد استفاده قرار میگیرند که تحت عنوان " شرق المیانه بزرگ " توسط " بوش کوچک " مطرح و تا کنون دوام دارد که در عمل شاهد نابودی دولت های مقتدر منطقه و ب خاک و خون کشانیدن کشورها و مردمان مظلوم شان میباشیم .

زمینه سازی به جنگهای نیابتی بخاطر فرصت سازی به اهداف قدرتهای رقیب منطقوی در همین راستای پلان های کلان ترغیب میگردد .

کشور بزرگ ایران که متاسفانه توسط رژیم سفاک و قرون وسطایی اخوندی در معرض تباهی قرار دارد ، در مسیر اغراض مذهبی و ایدیولوژیک حاکمان دجال ، رکن از مثلث شیادان سعودی و صیهونیست های اسراهیل میباشد که فی المجموع عامل تضعیف منطقه و در نهایت زمینه ساز نفوذ قدرتهای رقیب جهانی و امریکا میباشد .

سپاه پاسداران ایران در واقع مساوی به تمام رژیم اخوندی میباشد که سپاه قدس بمثابة يك سازمان مخوف و مرموز وسیله نیرومند تطبیق اهداف سیاست خارجی رژیم در منطقه ، صدور انقلاب اسلامی ، ایدیولوژی و جنگهای نیابتی میباشد .

ادامه دارد